

رسول پویان

طالبان و روزهای دشوار هرات

بخش دوم

توضیح

مردم ما وحشت و خشونت طالبان را با گوشت و پوست خود لمس، احساس و درک کرده اند. از خون پاک قربانیان بی دفاع در وجه و جب خاک میهن لاله های خونینی دمیده که پیام این ظلم و ستمگری را به نسل های آینده می رسانند. در باره طالبان زیاد نبشته شده است؛ اما در این نگاره فقط گوشه هایی از طرز حکومت استبدادی طالبان در عمل و به طور عینی در ولایت هرات به رشته نگارش درآمده است؛ بی شک که می تواند ماهیت واقعی این گروه را در عمل هویدا سازد.

تصویر واقعی طالبان در عمل

طالبان در قدم اول ساختار فروپاشیده نظامی حکومت مجاهدین را در هرات خراب و به جای آن دسته های مسلح خود را که سرعت عمل خوبی داشتند جایگزین کردند و تمام مراکز عمده و حساس شهر را به قوای خود سپردند. بیشترین صاحب منصبان و ماموران سابق بخش نظامی از وظیفه برکنار شدند. طلبه ها در بخش نظامی و امنیتی توجه اساسی خود را به میدانهای هوایی، فرقه و قول اردو، لوائی سرحدی، قوماندانی امنیه، ماموریت ها، ریاست استخبارات و امنیتی ملی متمرکز ساختند؛ در بخش اقتصادی به گمرکات، شاهراه ها و حمل و نقل، تجارت، مستوفیت و بلدیة، در بخش سیاسی و مردمی به مقام ولایت، حاکمان حکومتی ها (ولسوالی ها)، اربابان قریه ها و ملا امامان مساجد و در بخش دینی به اداره امر به معروف و نهی از منکر، شورای علما و آخوندان مساجد معطوف کردند.

حکومت طالب بر مبنای زور تفنگ و شلاق، دره و خشونت، تعصب و عصبیت قومی و مذهبی استوار شد. از احساسات مذهبی و ارزش های عقیدتی جامعه برای حفظ قدرت و تأمین منافع سیاسی و اقتصادی خود استفاده می کردند. آنان با تأمین امنیت راه ها زمینه فعالیت را برای تاجران پاکستانی و تاجران دو تابعتی در همکاری با تجار قندهاری و هلمندی مساعد ساختند.

طالبان از حجم دستگاہ اداری ملکی و نظامی کاستند و تمام چوکی ها و پست های مهم را در بین قوماندانهای دسته های مسلح خود تقسیم کردند. تعداد زیادی از کارمندان فنی و مسلکی هراتی از کار بر طرف شدند و یا در اثر کمی معاش و فشارهای وارده مجبور به کناره گیری گردیدند و در صفوف بی کاران و فقیران جامعه پیوستند. به این ترتیب سیستم اداری عقب مانده هرات که طی دهه های متمادی شکل گرفته و در دوره درازدامن جنگ ضربات کاری خورده بود، در زمان طالبان متلاشی شد.

ادارات مهمی چون ریاست زراعت و مالداري، صنایع و معادن، پروژه ها، بانکها، معارف و دانشگاه (پوهنتون) سقوط کردند و به جای آن یک اداره بسیار ابتدایی که فقط به امور مشخص سیاسی، نظامی، امنیتی، جمع آوری مالیات و درآمدهای گمرکی خلاصه می شد، جایگزین گشت.

هدف اصلی حکومت محلی طالبان مطیع سازی مردم، جمع آوری سلاح، قلع و قمع قوماندانهای جهادی و حکام محلی، حفظ امنیت راه ها و بنادر تجارتي جهت عبور و مرور اموال تجارتي و مواد مخدر، انتقال ذخایر سلاح و مهمات و امکانات اقتصادی و موجودی منقول هرات به قندهار و پاکستان تا اطلاع ثانوی ترسیم شده بود.

طالبان به امور فرهنگی، رفاه و آسایش مردم، رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی هرات هیچ علاقی نداشتند و اداراتی که در این راستا به وجود آمده بود برای طالبان جالب نبودند. آنان فقط به درآمدهای فوری و اهداف روزمره خود می نگریستند و موضوع عمده همان امنیت راه ها، تداوم قدرت و سرکوب و خفه کردن صدای مردم بود.

آنان برای مطیع سازی مردم، گوشمالی قوماندانها و جمع آوری سلاح به سیاست خشونت، سرکوب روحیه مردم، لت و کوب، حبس و شکنجه های غیربشری روی آوردند؛ چنانچه هزاران تن از مردم مظلوم هرات در زیر شلاق و چوب طالب هتک حرمت، ناقص العضو و معیوب شدند. در هرات کمتر کسی است که سوز شلاق طالب را نچشیده و توهین و تحقیر طالبان را تحمل نکرده باشد.

طلب ها از مذهب و شریعت به حیث ابزار سیاسی برای سرکوب مردم و حفظ قدرت و منافع خود استفاده می کردند و از انگیزه های قومی برای فریب قوم پشتون و کشانیدن آنان به جنگ اقوام دیگر یعنی هموطنان و برادران شان، به شکل بسیار حيله گرانه کار می گرفتند

تصویر واقعی طالبان در عمل

طالبان با خلق حوادث و پروپاگندهای مصنوعی مردم را مصروف و سرگرم می ساختند. در این عرصه از اداره امر به معروف و نهی از منکر و جاذب های مذهبی و شرعی با مهارت تمام استفاده می کردند. مردم را فرصت نمی دادند تا به موضوعات اساسی فقر و بیکاری، گرسنگی و بیماری، دزد های مسلحانه شبانه، چور و چپاول دارائی ها و ذخایر هرات و در یک کلام به امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه فکر کنند و از آزادی های اجتماعی و حقوق حقه اسلامی و انسانی خود سخن به میان آورند. در این جا به وقایع و حوادثی اشاره می شود که با چشم سرمشاهده شده و به عنوان مشتکی از خروار چهره واقعی طالبان را در آئینه حقیقت منعکس خواهد کرد.

ستیز با احساسات جوانان

ساعت 11.5 بجة روز دوشنبه 27 سنبله 1374 بود. تویوتا های طالبان با بیرق های سفید و گلوله های راکت این دو سنبل متناقض جنگ و صلح در سرک های تنگ و کوتاه هرات به شتاب حرکت می کردند.

در این وقت موتر امر به معروف و نهی از منکر در جلو شهابی مارکت واقع در شهرنو توقف کرد. طلبه های مسلح وارد مارکت شده و جوانان و نوجوانان را قطار کردند تا به نوبت موهای شان را قیچی کنند. یکی از جوانان هراتی به منظور دفاع از شخصیت انسانی خود نگذاشت بر موهای زیبایش قیچی اندازند؛ اما مقاومتش به زودی در زیر مشت و لگد و شلاق درهم شکست؛ کاکل های قشنگش را نه با قیچی، بلکه با سرنیزه تفنگ بریدند.

دوکانداران از این بی رحمی طلبه ها به خشم آمده و به طور دسته جمعی به سوی ولایت روان شدند تا به والی شهر شکایت کنند. هنوز مسافتی نپیموده بودند که افراد مسلح جلو شان را گرفتند. این خبر در شهر هرات پیچید و طالبان برای فرونشانی خشم مردم از طریق رادیو لت و کوب جوان هراتی را اشتباه دانستند؛ لیکن به مرور زمان دامنة فعالیت های پولیس مذهبی چنان زیاد شد که نه تنها جوانان و نوجوانان، بلکه مردم هرات در مجموع هر روز به بهانه های مختلف آزار و اذیت می شدند. این جریان به عمده ترین مشغولیت و گرفتاری روزمره اهالی شهر تبدیل شده بود.

تشهیر عجیب

ساعت 5 بجة بعد از چاشت روز چهارشنبه 19 برج میزان 1374 نمایش خنده آوری توسط طالبان به نمایش درآمد. مرد بی چاره ای را در حالی که رویش را سیاه کرده و کلاه سرخ بزرگی بر سرش نهاده بودند در پشت موتر تویوتا در

بازارهای شهر می گشتانند. عرق شرم و خجالت از روی و گردن آن مرد نگون بخت شارگرفته بود. مردم در دو طرف پیاده روها و بر در دوکان های خود باحیرت این منظره دلگداز را تماشا می کردند. تعدادی از اطفال و نوجوانان بی کار غیوزنان به دنبال موتر می دویدند. پولیس مذهبی طالبان با بلندگو جار می زد. ای مردم! به دانید که حال و عاقبت آدمهای مجرم و نافرمان از این بدتر است. به کوشید تا مردم آرام و سر به راهی باشید. افراد استخباراتی طالبان در لباس پولیس مذهبی به مردم حلیم، با آبرو و شرف هراتی نشان می دادند که پامال سازی آبرو و شرف در جلو سر و سیال و قوم و خویشان تان به بهانه های مختلف بسی آسان و ساده است و این یکی از نمونه های آن می باشد.

نبرد اسلام قلعه

پس از شکست حکومت محلی قوماندانان و افتادن هرات به دست طالبان هیچ حرکت مسلحانه و مخالفت متبازری علیه حاکمان جدید صورت نگرفت. بعد از گذشت مدتی به تاریخ شب شنبه 22 میزان 1374 در حدود 250 تن از نیروهای حزب جمعیت اسلامی و حزب وحدت اسلامی مقیم ایران به گمرک اسلام قلعه حمله کردند.

در گام نخست مناطق گمرک، تهانه جدید، کمیساری و بازار اسلام قلعه را تصرف کردند. به تعداد 25 نفر از طالبان را دستگیر و به ایران فرستادند. سپس با موترهای سرعتمند آهنگ شهر هرات کردند. هنوز در بین راه بودند که با هجوم سریع نیروهای طلبه ها رو به رو شده و به شتاب عقب نشینی کردند.

به قول شواهد عینی در مسیر بازار اسلام قلعه الی نقطه صفرسرحدی در حدود هجده نعلش بیجان به روی زمین بوده است و تعدادی از مهاجران نیز در مسجد اسلام قلعه توسط طالبان به هلاکت رسیدند. به این ترتیب عمده ترین عملیات نظامی نیروهای مشترک جمعیت اسلامی و حزب وحدت اسلامی که از پشتبانی ایران هم برخوردار بود، بدون نتیجه به شکست مواجه گردید.

ملا احسان والی هرات در مورد جنگ یاد شده در گفتگویی که از رادیو هرات پخش شد چنین گفت: 45 اسیر، 30 کشته، 8 موتر و مقداری سلاح از مخالفین به دست طلبه ها افتاده است. نفرات حزب وحدت و جمعیت اسلامی که توسط ایران مجهز شده بودند، دیروز از خاک ایران به اسلام قلعه حمله کرده و امروز توسط قوای مسلح طلبه ها شکست خوردند و به ایران فرار کردند.

پس از این واقعه بعضی تحرکات مسلحانه در اطراف و قری های هرات توسط مخالفان طلبه ها به راه افتاد؛ لیکن به

سبب عدم استقبال اهالی از قوماندانهای سابق گسترش یافته نتوانست. بعد از ترور علاءالدین خان فرد شماره دوم جمعیت اسلامی در هرات به تاریخ 16 سرطان 1375 مبارزات مسلحانه مخالفان طالبان در هرات ضربه شدیدی خورد و مورال مجاهدین جمعیت اسلامی پائین آمد.

حجاب اسلامی در ورزش

پدیده حجاب اسلامی در ورزش در دوره مجاهدین مطرح شد و در دوره طالبان به زور شلاق تطبیق گردید. ساعت 8 بجای روز دوشنبه 22 عقرب 1374 اعلامیه ریاست امر به معروف و نهی از منکر از امواج رادیو هرات پخش شد و از عموم ورزشکاران ذکور تقاضا به عمل آمد که با حفظ حجاب اسلامی در میدانهای ورزشی حضور یابند و از پوشیدن لباسهای تنگ و نازک اکیدا خودداری کنند.

پوشیدن یونیفورم بین المللی نیکر و پیراهن آستین کوتاه برای ذکور چنانکه در دوره مجاهدین ممنوع بود، در عهد طالبان به کلی غیر شرعی و غیر اسلامی اعلان شد؛ اما هیچ لباس طالبی ای در ورزش نیز معرفی نگردید.

ادامه دارد